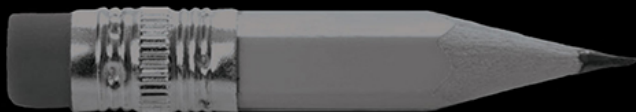


DO THE WORK



دست به کار شو

مقاومت رو شکست بده
و سد راه خودت نباش

نوشته استیون پرسفیلد
ترجمه نگار غفاری

دست به کار شو

مقاومت رو شکست بده و سد راه خودت نباش

Steven Pressfield

ترجمه نگار غفاری

چاپ اول



P I N G O N I O

www.pingonio.com

All rights reserved including the right of reproduction in whole or in part in any form.

تمامی حقوق این اثر، از جمله حق انتشار تمام یا بخشی از آن، محفوظ است.

سرشناسه: پرسفیلد، استیون / Pressfield, Steven
دست به کار شو: مقاومت رو شکست بده و سد راه خودت نباش / نوشته استیون پرسفیلد؛
ترجمه نگار غفاری؛ ویرایش سجاد حاجب، فائزه نجفی، آرش میلانی.
مشخصات نشر: تهران: پنگوئن آبی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۸۲ص.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی:

Do the Work: Overcome Resistance and Get Out of Your Own Way

موضوع: انگیزش

موضوع: رهبری

موضوع: موفقیت

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۹۴۹۲۰

فهرست نویسی کامل در آدرس زیر موجود است:

<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/7394920>

دست به کار شو نوشته استیون پرسفیلد، ترجمه نگار غفاری

ویرایش: سجاد حاجب، فائزه نجفی و آرش میلانی

نام فونت متن: پرستو • طراح فونت: صابر راستی کردار

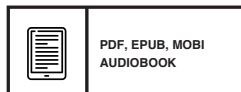
نوبت چاپ: اول • تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۹۹ • شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

ناشر: انتشارات پنگوئن آبی • چاپخانه: شمسه خوش نگار

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۱۲۹-۱-۱

قیمت: ۲۷,۰۰۰ تومان

شما می‌توانید نسخه صوتی کتاب و همین‌طور نسخه الکترونیک آن را در فرمت‌های mobi، epub و pdf از آدرس www.kangonio.com تهیه کنید.



کاغذ استفاده شده در این کتاب از نوع سوئدی یا بالکی است که جزو مرغوب‌ترین کاغذهای موجود در بازار است. رنگ این کاغذها سفید نیست و در نتیجه نور محیط با تابش بر روی آن کمتر منعکس می‌شود و چشمان شما حین مطالعه کمتر خسته می‌شوند. در ضمن چون این کاغذها وزن بسیار کمتری نسبت به سایر کاغذها دارند، دست شما به هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود.



سازمان FSC سازمانی غیرانتفاعی و بین‌المللی است و رسالت آن مدیریت بامسئولیت جنگل‌های جهان است. محصولاتی که با لوگوی این سازمان عرضه می‌شوند برای اطمینان خاطر مشتریان از تولید این محصولات از جنگل‌هایی است که به صورت درست مدیریت می‌شوند تا پاسخگوی نیازهای اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی نسل فعلی و آیندگان باشند.



برای استفاده از خدمات رایگان پیامکی پینگونیو برای این کتاب، از قبیل ارسال بخشی از جملات کتاب به عنوان یادآوری، لطفاً عدد ۹۷۸۶۲۲۹۹۱۲۹۱۱ رو به شماره ۳۰۰۸۹۳۳۳۳ ارسال کنید.



به مهربان مادرم آذر
که عشق و شکیبایی اش نردبانی شد تا رؤیاهایم اوج بگیرند

- نگار غفاری

فهرست مطالب

۱	پیش‌گفتار
۵	درباره کتاب
۷	آشنایی با دشمنان و متحدان
۱۷	شروع
۲۹	میانه
۷۳	پایان
۸۵	تشکر و قدردانی

پیش‌گفتار

تصور کنین دم در خونه‌تون یه ماشین پرسرعت پارک شده. نه از اون ماشین‌های لوکسی بچه‌پول‌دارها مثل فراری؛ یه ماشین ساده و سریع مثل یه سوباروی WRX. سوئیچش رو بگیرین. وقتشه برین باهاش گاز بدین.

تصور کنین تو باند فرودگاه، یه جت شخصی منتظر شماست و می‌تونین به هر جایی که دلتون می‌خواد پرواز کنین. واسه چی دارین دست‌دست می‌کنین؟ خلبان منتظر شماست. بجنبین سوار شین.

تصور کنین توی دستتون یه چکش‌بادیه که می‌تونین با اون، تا دلتون بخواد، به هر چیزی که دم دستتون هست میخ‌بزنین. پس منتظر چی هستین؟ وقتشه که شروع کنین.

روبه‌روتون یه کیبورده که به تمام دنیا وصله؛ یه ابزار ارتباطی که می‌تونین باهاش مجانی با هرکسی و تو هر زمانی ارتباط برقرار کنین. همیشه دنبال بازی تو شرایط برابر بودین؟ شرایطی که توش شما هم اندازهٔ بقیه شانس برنده‌شدن داشته باشین. الان شرایط همونیه که می‌خواستین. پس دست‌به‌کار بشین. ازتون انتظار داریم که دست‌به‌کار بشین.

استیون پرسفیلد، نویسندهٔ مهم‌ترین کتابیه که تا حالا مشابهش رو نخوندین: نبرد هنرمند. این کتاب بهتون کمک می‌کنه بفهمین که چرا کارتون گیر کرده و جلو نمی‌ره. این کتاب مثل یه اُردنگیهِ تا یه تکونی به خودتون بدین. بهتره؛ نه، واجبه که درست بعد از خوندن این کتابی که دستتون هست، برین کتاب نبرد هنرمند رو بخورین و بخونین.

تو این کتاب، استیون کاملاً عمل‌گرا، رُک و روراست و صمیمیه. اول یه بار سریع مطالعه‌ش کنین؛ بعد دوباره بخونینش و ازش یادداشت‌برداری کنین. بعدش یه جلد هم برای هرکسی که توی کارش گیر کرده بخورین تا کِشتی اون هم از گِل دربیاد.

بجنین.

ست گودین

روستای هستینگز آن هادسون

ژانویهٔ ۲۰۱۱

درون هر انسانی،
قهرمانی ایستاده در برابر اژدهایی.
تو قهرمانی و مقاومت اژدها.

درباره کتاب

این کتاب طوری طرح‌ریزی شده که شما رو تو مسیر یه پروژه، از ایده ابتدایی تا محصول نهایی و از زاویه دید مقاومت، راهنمایی کنه. این پروژه می‌تونه نوشتن یه کتاب، یادگیری رقص باله، شروع یه کسب‌وکار جدید و پُرسیک یا تأسیس یه مؤسسه خیریه باشه.

تو این مسیر قراره مقاومت، به هر شکلی که تصورش رو بکنین، سر راهمون سبز بشه. قراره دیوهایی مثل ترس، خودتخریبی، پشت گوش انداختن، عدم اعتمادبه‌نفس و بقیه دارودسته‌شون، تو هر فرصتی که به دست بیارن، بهمون ضربه بزنن.

برای مقابله با موارد بالا هر جا که لازم باشه، از اُردنگی استفاده می‌کنیم و هر جا هم که به روش‌های ملایم‌تر نیاز باشه، به نرمی و ملایمت ردشون می‌کنیم برن پی کارشون.

یه نکته: مدل ارائه‌شده تو این کتاب تو نگاه اول مخصوص نویسنده‌ها به نظر می‌رسه؛ مدلی برای ایده‌پردازی و نوشتن نمایشنامه و رمان و فیلم‌نامه. با این حال، این اصول و قواعد رو می‌تونیم برای هر نوع فعالیت خلاقانه دیگه‌ای هم استفاده کنیم و به همون اندازه نتیجه بگیریم. این فعالیت‌ها می‌تونه کارهای دشواری مثل رسیدن به تناسب‌اندام، بهبودی بعد از یه بحران روحی و یا تلاش برای هر هدف عاطفی، منطقی یا معنوی‌ای باشه که نیازمند حرکت از یه سطح آگاهی پایین‌تر به بالاست.

آشنایی با دشمنان و متحدان

دشمنان ما

تو این بخش، به لیست نیروهایی اشاره می‌کنیم که در برابر ما هنرمندها و کارآفرین‌ها صف کشیدن:

(۱) مقاومت (برای مثال، ترس، عدم اعتماد به نفس، پشت گوش انداختن، عادت، عدم تمرکز، کم‌رویی، غرور، خودپرستی، خودبیزاری، کمال‌گرایی)

(۲) تفکر منطقی

(۳) دوستان و خانواده

مقاومت

این هیولا دقیقاً چیه؟ در ادامه، به بخشی از کتاب نبرد هنرمند اشاره می‌شه که می‌تونه تو شناخت بهتر این هیولا به ما کمک کنه.

بزرگ‌ترین قربانی‌های مقاومت

لیست زیر، که ترتیب خاصی ندارد، شامل فعالیت‌هایی هست که عموماً باعث می‌شن مقاومت سر راه ما سبز بشه:

(۱) دنبال کردن هر مهارتی تو نویسندگی، نقاشی، موسیقی، فیلم، رقص یا هر هنر خلاقانه‌ای، هرچند جزئی و نامتعارف

(۲) شروع هر نوع کسب‌وکار یا فعالیت کارآفرینانه پُرسیکی که هدف از اون کسب سود مالی یا هر منفعت دیگه‌ای باشه

(۳) هر نوع رژیم یا پرهیز غذایی

(۴) هر نوع برنامه پیشرفت معنوی

(۵) هر فعالیتی که هدف از اون داشتن یه شکم سیکس‌پک باشه

(۶) هر دوره یا برنامه‌ای که باعث ترک یه عادت بد یا مزمن بشه

(۷) هر نوع یادگیری

(۸) هر فعالیت جسورانه سیاسی یا معنوی یا اخلاقی، از جمله تصمیم‌گیری برای تغییر و بهبود برخی الگوهای ناشایست فکری یا رفتاری خودمون

(۹) تعهد به هر فعالیت یا سازمانی که هدفش کمک به دیگرانه

(۱۰) هر فعالیتی که احساس تو اون نقش اصلی رو ایفا می‌کنه، مثل تصمیم‌گیری برای ازدواج، بچه‌دار شدن، برطرف کردن مشکلات موجود تو یه رابطه

(۱۱) موضع‌گیری اصولی در برابر سختی‌ها

به بیان دیگه، هر فعالیتی که در اون از لذت آنی چشم‌پوشی می‌کنیم تا تو بلندمدت به پیشرفت، سلامتی یا کمال برسیم. بنابراین هر عملی که از ذات متعالی ما نشأت بگیره نه از ذات پست‌مون، مقاومت رو بیدار می‌کنه.

ویژگی های مقاومت

نامرئیه

مقاومت نه دیده می‌شه، نه شنیده و نه لمس می‌شه و نه اصلاً بویی داره. ولی می‌تونین احساسش کنین. ما اونو به صورت یه میدان انرژی تجربه می‌کنیم که از یه کار بالقوه ساطع می‌شه.

مقاومت یه نیروی دافعه است، یه نیروی منفی. هدفش کنارزدن ما و بهم‌زدن تمرکز مونه. هدف مقاومت اینه که مانع انجام دادن کارهامون بشه.

مودیه

مقاومت هر چیزی بتونه می‌گه تا مانع کارتون بشه: قسم دروغ می‌خوره، داستان سرهم می‌کنه، دست‌کاری می‌کنه، گول می‌زنه، قلدری می‌کنه، چرب‌زبونی می‌کنه. خودش رو به هر شکلی درمیاره تا بتونه شما رو از راه به در کنه.

گاهی مثل یه وکیل شما رو متقاعد می‌کنه و گاهی مثل سارق مسلحی که یه کُلت رو شقیقه‌تون گذاشته، تهدیدتون می‌کنه.

وجدان نداره. اون هر قولی می‌ده تا بتونه معامله رو جوش بده. اما به محض اینکه خرس از پل گذشت، از پشت بهتون خنجر می‌زنه. اگه لحظه‌ای به حرف‌های مقاومت اعتماد کنین، هر بلایی سرتون بیاد حقتونه.

مقاومت همیشه حرف مفت می‌زنه و دروغ می‌گه.

غرض شخصی نداره

مقاومت با شما مشکل شخصی نداره. اون نه شما رو می‌شناسه و نه براش اهمیتی داره که شما کی هستین. مقاومت یه نیروی طبیعییه که بدون غرض کار خودش رو می‌کنه.

با اینکه که مقاومت بدجنس به نظر می‌آید، ولی اون مثل بارش بارون و حرکت اجرام آسمانی بدون توجه به شما کارش رو انجام می‌ده. وقتی ما عزممون رو جزم می‌کنیم که با مقاومت وارد نبرد بشیم، باید این رو به خاطر داشته باشیم که مقاومت غرض شخصی نداره.

مصون از خطاست

مقاومت مثل یه سوزن مغناطیسی روی سطح روغنه؛ مثل عقربه قطب‌نما که همیشه به سمت شمال اشاره می‌کنه، جهت مقاومت هم درست به سمت کارهاییه که نمی‌خواد ما انجامشون بدیم. ما می‌تونیم از همین ویژگی مقاومت استفاده کنیم. می‌تونیم از اون به عنوان قطب‌نما استفاده کنیم. می‌تونیم به کمک مقاومت جهت‌یابی کنیم تا ما رو به سمت کار یا هدفی هدایت کنه که باید قبل از بقیه کارها دنبالش کنیم.

فوت کوزه‌گری: هرچقدر اهمیت خواسته یا عملی برای تحول در وجود ما بیشتر باشه، تو مسیر دستیابی به اون، مقاومت بیشتری رو احساس می‌کنیم.

همگامیه

اگه فکر می‌کنین فقط شما هستین که با مقاومت درگیرین، سخت در اشتباهین. همه انسان‌ها مقاومت رو تجربه می‌کنن.

خواب نداره

هنری^۱ همیشه قبل از اجرای روی صحنه‌ش استرس می‌گرفت، حتی وقتی ۷۵ ساله بود. بنابراین ترس دست‌بردار نیست. وضعیت هنرمند و یه مبارز مشابهه: هر روز نبرد ترسناک و جدیدی در انتظارشونه.

۱. Henry Fonda، بازیگر آمریکایی و برنده اسکار در سال ۱۹۸۱. - مترجم.

شوخی نداره

هدف مقاومت زخمی کردن یا از کار انداختن ما نیست.

اون به قصد کشت حمله می‌کنه.

مقاومت کانونِ وجودی ما رو هدف می‌گیره: نبوغ و روحمون رو، که هدیهٔ گران‌بها و منحصر‌به‌فردیه که به‌جز ما به موجود دیگه‌ای روی زمین عطا نشده. مقاومت اصلاً شوخی نداره و خیلی هم جدیه. در نبرد با مقاومت، فقط یه طرفِ مبارزه، زنده از گود بیرون میاد.

تفکر منطقی

بعد از مقاومت، تفکر منطقی بدترین دشمن هنرمند یا کارآفرینه. وقتی ما تفکر منطقی رو به کار می‌گیریم، اتفاقات بدی رخ می‌ده؛ چون تفکر منطقی از ضمیر خودآگاهمون نشأت می‌گیره ولی ما به‌جاش می‌خوایم که کار از درونمون جاری بشه؛ در واقع از غریزه، حسِ ششم و از ناخودآگاهمون.

هومر هر دو کتاب ایلپاد و اودیسه رو با دعایی برای الههٔ شعر و موسیقی شروع می‌کنه. بزرگ‌ترین شاعر یونان به این درک رسیده بود که نبوغ در نفسِ فانی و خطاکارش وجود نداره، بلکه از منشائی سرچشمه می‌گیره که نه می‌تونه بهش فرمان بده و نه کنترلش کنه و فقط می‌تونه دست‌به‌دامنش بشه.

وقتی یه هنرمند می‌گه «به کائنات اعتماد کن»، معنی‌ش اینه که احساس نیاز به کنترل رو رها کنین (چون اصلاً کنترل دست شما نیست). به‌جاش، به منشأ و راز کائنات، ایمان داشته باشین.

هرچقدر منبعی که باعث می‌شه دست‌به‌کار بشیم غنی‌تر باشه، دستاوردهامون هم بهتر می‌شن. به همین منوال تاثیر گذاری این دستاوردها هم برای خودمون و هم برای کسانی که باهاشون نتیجهٔ کارمون رو به اشتراک می‌ذاریم بیشتر می‌شه.

دوستان و خانواده

مشکل دوستان و خانواده اینه که اون‌ها ما رو همین‌طور که هستیم می‌شناسن و تمام سعی‌شون رو می‌کنن تا ما رو همین‌طور نگه دارن. در حالی که ما اصلاً قصد موندن تو وضعیت فعلی رو نداریم. اگه شما این کتاب رو می‌خونین، برای اینه که احساس می‌کنین یه خودِ دوم کشف‌نشده تو وجودتون هست.

دوستان و خانواده (غیر از چند تا استثنا که خدا خیرشون بده) دشمن این خود کشف‌نشده شما هستن. این خود متولد نشده‌تون موجودیه که آینده متعلق به اونه.

نگران از دست دادن دوست‌های قدیمی‌تون هم نباشین. بهم اعتماد کنین. کلی دوست جدید در انتظار تونه.

متحدان ما

صحبت از مخالف‌هایی که مقابل ما صف کشیدن فعلاً کافیه. بیابین قهرمان‌هایی رو بررسی کنیم که تو این نبرد همراه ما هستن:

(۱) حماقت

(۲) کله‌شقی

(۳) باور کورکورانه

(۴) اشتیاق

(۵) مساعدت (نقطهٔ مقابل مقاومت)

(۶) دوستان و خانواده

حماقت

چارلز لیندبرگ^۲، استیو جابز^۳ و وینستون چرچیل^۴ جزو احمق‌ترین آدم‌هایی هستن که به ذهنم می‌رسن. می‌پرسین چرا؟ چون هر شخص باهوشی که می‌دونست کارهای پیش روی این احمق‌ها چقدر سخته، کار رو شروع نکرده رها می‌کرد.

خودرأیی و نادانی جزو دوستان جدانشدنی هنرمند و کارآفرین هستن. هنرمند یا کارآفرین باید اصلاً تو باغ نباشه تا روحش هم از سختی کارهای پیش روش خبر نداشته باشه. اون قدر مغرور باشه که باور کنه می‌تونه تحت هر شرایطی موفق بشه. اما چطور می‌شه به این حالت ذهنی رسید؟ به این حالت که احمق بمونیم و به مغزمون اجازه ندیم که فکر کنه.

۲. Charles Lindbergh، اولین خلبانی که تنها و بدون توقف از آمریکا به اروپا پرواز کرد. - مترجم.

۳. Steve Jobs

۴. Winston Churchill

بچه‌ها مشکلی تو باورکردن چیزهای باورنکردنی ندارند؛ همین طور دیوونه‌ها و نابغه‌ها. فقط من و شما ییم که با مغزهای بزرگمون و قلب‌های کوچکمون بیش از حد فکر می‌کنیم و دودل می‌شیم و دست‌دست می‌کنیم. لطفاً فکر نکنین، عمل کنین. همیشه بعد از دست‌به‌کارشدن می‌تونیم کم‌کم درباره‌ش تجدیدنظر کنیم و اصلاحش کنیم. اما تا کاری رو شروع نکنیم، به هیچ‌جایی نمی‌رسیم.

کله شقی

زمانی که درگیر کار می‌شیم، بدترین چیز ممکن دست‌کشیدن از اون کاره.

اما چی می‌تونه بهمون کمک کنه تا دست از کار نکشیم؟
جواب ساده است: **کله شقی**.

من کلمه کله‌شقی بودن رو بیشتر دارم؛ چون که از کلماتی مثل «سرسختی» و «پشتکار» کم‌ادعانه. برای کله‌شقی بودن مجبور نیستیم قهرمان باشیم. برای کله‌شقی بودن کافیه فقط مایهٔ دردسر باشیم.

وقتی کله‌شقی هستیم، دست بردار نیستیم. چموش و یه‌دنده و سمجیم و تا آخر ماجرا وایستادیم.

ما مثل یه سگ نگهبان پاچهٔ مقاومت رو می‌گیریم و نمی‌ذاریم دربره. اصلاً هم مهم نیست لگدهاش چقدر محکم باشه.

باور کورکورانه

آیا عنصر معنوی‌ای برای رسیدن به خلاقیت وجود داره؟ خب معلومه که آره!

قدرتمندترین (و ضروری‌ترین) متحد ما باور به چیزیه که نه می‌تونیم ببینیمش، نه بشنویم، نه لمس کنیم، نه مزه و نه حتی احساسش کنیم.

مقاومت می‌خواد دقیقاً همین باور رو تضعیف کنه. می‌خواد نابودش کنه.

خانم پاتریشیا رایان مدسون^۵، که تو کلاس‌های مملو از جمعیتش تو استنفورد بیست سال تئاترِ بداهه تدریس می‌کرد، تو کتاب شگفت‌انگیزش، معرفتِ فی‌البداهه^۶، به تمرینی دراین‌باره پرداخته. تمرین به این صورته:

یه جعبهٔ دردار رو در نظر بگیرین و اونو توی دست‌تون نگه‌دارین. حالا باز کنین. چی تو جعبه است؟

شاید یه قورباغه باشه یا یه روسری ابریشمی یا یه سکهٔ طلای پارسی. اما نکتهٔ ماجرا اینجاست: مهم نیست چند بار اون جعبه رو باز کنین. همیشه چیزی داخلش وجود داره.

اگه نظر منو بخواین، همین‌ه که گفتم: من از ته قلبم ایمان دارم که همیشه چیزی توی جعبه است.

اشتیاق

پیکاسو با اشتیاق نقاشی می‌کرد، موتزارت با اشتیاق آهنگ می‌ساخت؛ بچه‌ها هم با همین شور و اشتیاق تمام روز رو بازی می‌کنن.

شاید فکر می‌کنی این اشتیاق رو از دست دادی یا نمی‌تونی اونو درک کنی یا اینکه اون‌قدر زیاد هست که می‌ترسی توش غرق بشی. اما هیچ‌کدوم این فکرها درست نیست.

ترس شیرهٔ اشتیاق رو می‌مکه. البته وقتی به ترس‌هامون غلبه می‌کنیم، چشمهٔ بی‌کران و عمق نامحدود و پابان‌ناپذیری از اشتیاق رو کشف می‌کنیم.

۵. Patricia Ryan Madson
۶. Improv Wisdom

مساعدت

دربارهٔ این موضوع بعداً صحبت می‌کنیم. الان کافیه همین قدر بدونین که اگه مقاومت به‌منزلهٔ سایه باشه، متضادش که مساعدهٔ همون خورشیده.

دوستان و خانواده

اگه هنر، انگیزه، موفقیت، شهرت و پولی رو که به دست آورده بودیم از دست بدیم، کیه که باز هم دوستمون داشته باشه و کیه که ما همچنان دوستش داشته باشیم؟

تنها دو چیزه که موقع دست و پنجه نرم‌کردن با مشکلات کنارمون می‌مونن: نبوغ نامتناهی‌مون و کسایی که دوستشون داریم. به‌بیان دیگه، کاری که انجام می‌دیم و کسایی که به خاطرشون اون کار رو می‌کنیم.

ولی دیگه نظریه دادن کافیه. تو فصل بعدی کتاب، داستان‌مون رو مطرح می‌کنیم، کسب‌وکار جدیدمون رو کلید می‌زنیم و مؤسسهٔ خبریه‌مون رو راه می‌ندازیم.

سؤال اول: بهترین زمان برای شروع کیه؟

شروع

قبل از اینکه آماده بشین شروع کنین

آماده نشین، شروع کنین.

یادتون باشه دشمن ما آمادگی نداشتن نیست. میزان سختی برنامه و وضع بازار و خالی بودن حساب بانکی مون هم نیست. دشمن ما مقاومه.

دشمن ما همون ذهن وژاجمونه که اگه فقط یک میلیاردم ثانیه بهش مهلت بدیم، شروع می‌کنه به بهانه‌تراشی و عذراوردن و توجیه‌کردن و صدها اما و اگر که چرا نمی‌تونیم یا نباید یا نمی‌خوایم چیزی رو انجام بدیم؛ در حالی که می‌دونیم انجام این کار چقدر برامون ضروریه.

بدون آمادگی شروع کنین

اتفاقات خوب زمانی می‌افتن که بدون آمادگی قبلی دست به کاری بزنیم. وقتی از خودمون جربزه نشون می‌دیم، به هیجان می‌آییم و شجاعت شروع با خودش شجاعت میاره و خدا هم که شاهد جسارت ما باشه بهش مهر تأیید می‌زنه.

دراین باره دابلیو. اچ. موری^۱ می‌گه: «تا زمانی که کسی متعهد به کارش باشه، اثری از دودلی و یا پا پس کشیدن وجود نخواهد داشت. در خصوص تمامی فعالیت‌های نوآورانه و خلاقانه، همواره یه واقعیت اساسی وجود داره، که نادیده‌گرفتن اون باعث نابودی ایده‌های بی‌شمار و طرح‌های تحسین‌برانگیز می‌شه: به‌محض اینکه کسی قاطعانه خودش رو درگیر کنه، مشیت الهی هم وارد عمل می‌شه. جریان عظیمی از اتفاقات از تصمیم اون فرد سرچشمه می‌گیره و یه سری وقایع غیرمنتظره و ملاقات‌ها و مساعدت‌های اساسی به نفعش اتفاق می‌افته، طوری که هیچ‌کس حتی توی خوابش هم نمی‌دیده که براش همچین اتفاق‌هایی بیافته. من برای یکی از دوبیتی‌های گوته احترام ویژه‌ای قائلم که گفته: «هر کاری رو که می‌تونی یا آرزو می‌کنی انجامش بدی شروع کن / جسارت به همراهش نبوغ و قدرت و معجزه میاره» پس همین حالا دست‌به‌کار شین.

۱. W. H. Murray، وکیل و سرمایه‌گذار آمریکایی (۱۸۴۸-۱۹۲۳). - مترجم.

یه پرهیز تحقیقاتی

می‌خواین قبل از اینکه شروع کنین، تحقیق کنین؟ نوچ! حق ندارین این کار رو بکنین.

فقط اجازه دارین سه کتاب راجع به موضوع تون بخونین، نه بیشتر. زیر نوشته‌ها خط نمی‌کشین، هایلایت نمی‌کنین، بعدِ خوندن هم درباره‌ش فکر یا صحبت نمی‌کنین.

اجازه می‌دین ایده‌ها تراوش کنن و می‌ذارین ناخودآگاهتون کارش رو انجام بده. تحقیق می‌تونه تبدیل به مقاومت بشه. ما می‌خوایم کار کنیم، نه اینکه برای کار آماده بشیم (بعداً برمی‌گردیم و یه تحقیق جدی و درست حسابی انجام می‌دیم. بعداً البته، نه الان).

دو نکته کوتاه رو هم باید بگم برای زمانی که می‌خواین کار رو شروع کنین:

(۱) بدوی بمونین

فعالیت‌های خلاقانه، خیلی بدوی و ابتدایی شروع می‌شن. شروع خلاقیت بسیار شبیه شروع انسان‌ها و کهکشان‌ها است.

نوزادها توی خون و آشفستگی به دنیا میان؛ ستاره‌ها و کهکشان‌ها هم وسط حجم عظیمی از آشفستگی ابتدایی به وجود اومدن.

پختن یه ایده اتفاقی کاملاً بدوی و ابتدایی است. من اصلاً شوخی نمی‌کنم وقتی در این کتاب تاکید می‌کنم که بدوی بودن بهتر از خیره بودن و احمق بودن بهتر از نابغه بودن.

بافرهنگ‌ترین مادر هم، موقح به دنیا آوردن فرزندش، خیس عرق می‌شه و از کوره درمی‌ره و ممکنه مثل آدم‌های بددهن، فحش بده. اتاق بیمارستان شاید استریل و کاملاً تمیز باشه، اما خود تولد همیشه وسط آشفستگی و درد و خون اتفاق می‌افته.

۲) از همون ابتدای کار، نهایت تلاش تون رو بکنین

اولین شغل من در زمینه تبلیغات تو نیویورک بود. عادت داشتم ایده‌های ریزه‌ریزم رو به رئیسم بگم. اما اون ایده‌ها رئیس رو عصبانی می‌کرد. یه بار برگشت بهم گفت: «این ایده که اندازه سر سوزنه! اگه یه کم دیگه کوچک‌تر بود، لابد یه میکروسکوپ الکترونی لازم داشتم تا ببینمش! برگرد به اتاقت و برام یه ایده بزرگ بیا!»

من و شما اگه بخوایم کار بزرگی انجام بدیم، نمی‌تونیم به خودمون اجازه بدیم که تو اندازه کوچک کار کنیم. تو بازی فوتبال یه شروع با قدرت و زدن گل در ده دقیقه اول بازی، خیلی بهتر از تلاش برای زدن گل دقیقه نوده. بازی رو با قدرت شروع کنین. بعدش هروقت خواستین می‌تونین کمتر براش انرژی بذارین. اگه از همون ابتدا تمام تلاشمون رو نکنیم، چشم باز می‌کنیم و بازی در حال تموم شدن است و ما هنوز یه گل هم نزدیم.

یه قرار نهار با منتور خودم

سال‌ها پیش تو یه رستوران تو منهتن با نویسنده و مستندساز، نورم استال^۲، که منتور^۳ منه (هرچند ممکنه ایشون از این کلمه زیاد خوشش نیاد)، داشتم نهار می‌خوردم. اون داشت تو یه دفترچه با سایز متوسط و زرد رنگ چیزهایی می‌نوشت. اون موقع چیزی گفت که من رو تو خیلی از موقعیت‌ها نجات داده: «استیو، خدا فقط یه برگه زرد، دقیقاً تو همین اندازه، درست کرده تا طرح کلی داستان رو توش نگه داره.»

۲. Norm Stahl

۳. منتور (Mentor) به شخصی گفته می‌شه که در زمینه‌ای تخصصی از فردی که به دنبال راهنمایی در آن زمینه است، چندین قدم جلوتر است. توجه کنیم که منتور به معنای مشاور یا مربی نیست. مشاور و مربی نوعی شغل هستن در حالی که منتورینگ شغل محسوب نمی‌شه و منتور در کنار کسب‌وکار خودش، اغلب بدون چشم‌داشت مالی، خدمات منتورینگ رو به دیگران ارائه می‌ده. رابطه منتور و کسی که از منتور راهنمایی می‌گیره شبیه رابطه مُرشد و مُراد در گذشته‌های دور است که مراد به مرشد ارادت خاصی داشته. - مترجم

اما منظورش از این حرف چی بود؟ قصدش این بود که بگه زیادی فکر نکن، زیادی آماده نباش، اجازه نده تحقیق تبدیل به مقاومت بشه.

وقتتون رو شش ماه صرف گردآوری یه دفتر قطور هزارصفحه‌ای نکنین که به جزئیات عاطفی و تاریخیچه خانوادگی هرکدوم از شخصیت‌های داستان کتابتون پرداخته باشه. فوری طرح کلی‌ش رو بریزین. همین الان. و تو این کار به حس ششم خودتون اعتماد کنین. خودتون رو مقید کنین که ساختار داستان، طرح کسب‌وکار جدید یا برنامه مؤسسه خیریه‌تون فقط تو یه صفحه خلاصه بشه.

شاید بیرسین آیا کار آسونیه؟ معلومه که نه. به همین خاطر در ادامه یه نکته به‌دردبخور در این مورد بهتون می‌گم:

ساختار سه‌پرده‌ای

کاغذ رو به سه قسمت تقسیم کنید: شروع، میانه، پایان. این همون روشیه که هنرمندا به کار می‌برن. پرده یک، پرده دو، پرده سه.

داوینچی این کار رو چطوری انجام داد؟

اگه بخوایم شام آخر رو توی سه پرده روی کاغذ بیاریم، به این صورته:

(۱) میز غذاخوری در عرض بوم، نقاشی شده

(۲) عیسی مسیح وسط ایستاده و حواریون هم چپ و راست تابلو تو حالت‌های مختلف صف کشیدن

(۳) چشم‌انداز و پس‌زمینه هم به‌صورت محو پشت‌سرشون قرار داره

تنها چیزی که داوینچی برای شروع لازم داشته، همین‌ها بوده. بقیه‌ش دیگه جزئیاته.



K A N G O N I O

کانگونو فروشگاه آنلاین و فیزیکی «کتاب به طور دیگر» است که سعی دارد چه در مرحله یافتن کتاب خوب و خرید آن و چه در حین خواندن کتاب، تجربه‌ای متفاوت را رقم بزند. شما می‌توانید نسخه‌های چاپی، الکترونیک و صوتی این کتاب و همین‌طور کتاب‌های دیگر ما را از فروشگاه آنلاین کانگونو تهیه کنید:

www.kangonio.com

